



Typology of “Colonialism” in the Qur’ān with Emphasis on Verse 54 of Sūrat al-Zukhruf

Javad Nafari ^{a*}

^a Assistant Professor, Islamic Studies, Humanities, Islamic Liberal Arts, Boyin Zahra Branch, Iran

KEYWORDS

Colonialism, Cultural Colonialism, Economic Colonialism, Domination, Belittling the Intellect, Verse 54 of al-Zukhruf

ABSTRACT

Colonialism, as a historical and social phenomenon, has left extensive effects on various societies. Analyzing this phenomenon from the perspective of the Qur’ān can illuminate the cultural and economic dimensions of domination. Verse 54 of Sūrat al-Zukhruf symbolically and objectively refers to the behavior of Pharaoh and his people, revealing the mechanisms of exercising power and domination in ancient Egypt. The principal aim of this research is to identify the typology of colonialism and analyze its cultural and economic consequences for society. Employing a descriptive-analytical and comparative method, and focusing on the key terms of this verse, the study analyzes the cultural and economic contexts of colonialism within the verse itself and in historical texts related to ancient Egypt. The central research question asks: How does verse 54 of Sūrat al-Zukhruf, through its specific language and vocabulary, reflect the various dimensions of cultural and economic colonialism, and what were its consequences for society? The findings demonstrate that cultural colonialism was implemented through the weakening of intellectual independence, values, and communal identity, while economic colonialism was characterized by the concentration of wealth, the reduction of economic decision-making agency, and the exploitation of resources. The simultaneous analysis of both cultural and economic dimensions reveals that these two factors mutually reinforced one another, creating a long-term cycle of domination. The results emphasize that Qur’ānic vocabulary not only reflects historical reality but also serves as a tool for understanding the mechanisms of colonialism and their long-term consequences for society.

Received: 06 November 2025;

Accepted: 01 March 2026

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/ijj.2026.2076919.1054

* Corresponding author.

E-mail address: javad.nafari@iau.ac.ir





گونه‌شناسی استعمار در قرآن: تحلیل آیه ۵۴ سوره زخرف با رویکرد فرهنگی و اقتصادی

جواد نفری^{الف}

الف استادیار، معارف اسلامی، انسانی، آزاد اسلامی، واحد بوبین زهرا، ایران، javad.nafari@iau.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
استعمار، استعمار فرهنگی، استعمار اقتصادی، سلطه، استخفاف عقول، آیه ۵۴ زخرف	استعمار به عنوان یک پدیده تاریخی و اجتماعی، آثار گسترده‌ای بر جوامع مختلف بر جای گذاشته است و تحلیل آن از منظر قرآن می‌تواند روشن کننده ابعاد فرهنگی و اقتصادی این سلطه باشد. آیه ۵۴ سوره زخرف به صورت نمادین و عینی به رفتار فرعون و قوم او اشاره دارد و نشان دهنده سازوکارهای اعمال قدرت و سلطه در تاریخ مصر باستان است. مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی گونه‌های استعمار و تحلیل پیامدهای فرهنگی و اقتصادی آن بر جامعه مورد بررسی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵	در این مطالعه، با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی و تمرکز بر واژگان کلیدی این آیه، زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی استعمار در متن آیه و متون تاریخی مرتبط با مصر باستان تحلیل می‌شود. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه آیه ۵۴ سوره زخرف، از طریق زبان و واژگان خاص خود، ابعاد مختلف استعمار فرهنگی و اقتصادی را بازتاب می‌دهد و پیامدهای آن در جامعه چه بوده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که استعمار فرهنگی از طریق تضعیف استقلال فکری، ارزش‌ها و هویت جامعه اعمال شده و استعمار اقتصادی با تمرکز ثروت، کاهش توانایی تصمیم‌گیری اقتصادی و بهره‌کشی از منابع همراه بوده است. تحلیل هم‌زمان دو بعد فرهنگی و اقتصادی نشان می‌دهد که این دو عامل به طور متقابل یکدیگر را تقویت کرده و چرخه طولانی مدت سلطه را ایجاد نموده‌اند. یافته‌ها تأکید می‌کنند که واژگان قرآنی نه تنها منعکس کننده واقعیت تاریخی‌اند بلکه ابزار فهم سازوکارهای استعمار و پیامدهای بلندمدت آن بر جامعه هستند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

در قرآن کریم، روایت‌هایی که به داستان فرعون و قوم او اشاره دارند، همواره یکی از منابع غنی برای فهم روابط قدرت، سلطه و کنترل اجتماعی در جوامع باستانی و حتی تحلیل استعمار در گستره‌ای فراتر از تاریخ مطرح شده‌اند. آیه ۵۴ سوره زخرف، با بیان این نکته که فرعون قوم خود را سبک مغز شمرد و آنان اطاعت کردند، نمونه‌ای بارز از چگونگی اعمال سلطه سیاسی و اقتصادی بر جامعه‌ای است که در برابر حاکم مستبد و فاسق قرار دارد. در این آیه، واژگان کلیدی مانند «اسْتَخَفَّ»، «الْقَوْمَ»، «أَطَاعُوا» و «فَاسِقٌ» هر یک از منظر لغوی، تاریخی و تفسیری دارای اهمیتی بنیادی‌اند و تحلیل دقیق آن‌ها، امکان فهم مکانیسم‌های سلطه فرهنگی و اقتصادی را فراهم می‌کند.

همچنین در عصر حاضر، استعمار و نفوذ فکری و فرهنگی نه تنها از طریق قدرت نظامی و اقتصادی بلکه از طریق

اشکال ظریف‌تر فرهنگی، رسانه‌ای و روانی اعمال می‌شود. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که جوامع انسانی همواره در معرض تلاش برای اغوای افکار و انحراف باورها بوده‌اند؛ نمونه برجسته آن، رفتار فرعونیان با قوم حضرت موسی (علیه‌السلام) و اشراف جامعه‌شان بود که با تجمل‌گرایی، فریب ظواهر دنیوی و سوء استفاده از ارزش‌های مادی، عقول و افکار مردم را مسخ کرده و آنان را از مسیر توحید و عدالت دور ساختند. امروزه شیوه‌های مشابه در قالب استعمار فرهنگی و فکری مدرن، به ویژه از طریق ترویج ایدئولوژی‌های مادی، نفی ارزش‌های دینی و تبلیغات شبهه‌افکن، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این فرآیندها موجب تخریب باورهای دینی، ایجاد شک و تردید، و تضعیف هویت فرهنگی مسلمانان می‌شوند. در چنین شرایطی، جامعه اسلامی با چالش‌های پیچیده‌ای مواجه است که شامل مقاومت در برابر نفوذ فرهنگی، حفظ استقلال فکری و تقویت هویت دینی است.

بنابراین، ضرورت پژوهش حاضر در شناخت شیوه‌های استعمار فکری و فرهنگی، مصادیق استخفاف عقول، و تعیین وظایف جامعه اسلامی و مسلمانان در مقابله با این تهدیدات است. بررسی آیه ۵۴ سوره زخرف با رویکرد فرهنگی و اقتصادی، نه تنها درک دقیق‌تری از استعمار و سلطه در جوامع باستانی ارائه می‌دهد، بلکه ابزار تحلیلی مهمی برای فهم سلطه‌های معاصر و بازشناسی روش‌های تسلط بر جامعه و فرهنگ فراهم می‌کند. هدف اصلی تحقیق، ارائه تحلیل نظام‌مند از روش‌های دشمنان اسلام در ایجاد شبهه و انحراف فرهنگی و نیز تبیین راهکارهای عملی برای حفظ هویت دینی، تقویت بصیرت و مقاومت جامعه اسلامی در برابر نفوذهای مدرن است.

۲. تحلیل واژگان عملیاتی آیه

تحلیل واژگان آیه ۵۴ سوره زخرف، به ویژه اصطلاحات «اِسْتَحَفَّ»، «الْقَوْمَ»، «أَطَاعُوا» و «فَاسِقَ»، چارچوبی بسیار روشن برای گونه‌شناسی استعمار ارائه می‌دهد و می‌توان آن را در دو بعد اصلی فرهنگی و اقتصادی بررسی کرد. از منظر فرهنگی، واژه «اِسْتَحَفَّ» نقش اساسی در تسلط بر ذهن و اندیشه افراد دارد. همان‌طور که در مفردات ألفاظ القرآن (ج ۱، صص ۶۱۵-۶۱۷) و مجمع البحرین (ج ۵، ص ۴۸؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش)، آمده، سبک مغز شمردن قوم آنان را در سطح روانی و شناختی تضعیف می‌کند. سبک مغز شمردن افراد باعث می‌شود که مردم به راحتی دستورات حاکم فاسق را بپذیرند و در برابر نفوذ فرهنگی او تسلیم شوند. در این فرآیند، استعمارگر با بهره‌گیری از ضعف فرهنگی و سبک مغزی مردم، ارزش‌ها و باورهای خود را به جامعه تحمیل می‌کند و استقلال فکری و فرهنگی آنان را از بین می‌برد. ابن عبدالحکم در فتوح مصر نقل می‌کند که فرعون با این شیوه قوم خود را وادار به اطاعت موسی (علیه‌السلام) کرد و این اطاعت نشان‌دهنده پذیرش فرهنگی و انقیاد اجتماعی است که نمونه‌ای کلاسیک از استعمار فرهنگی به شمار می‌آید.

واژه «الْقَوْمَ» به عنوان جمعیت هدف استعمار اهمیت ویژه‌ای دارد. همان‌طور که منابع متعددی از جمله لسان العرب (ج ۱۲، ص ۵۰۵) و شمس العلوم و دواء کلام العرب (ج ۸، ص ۵۶۶۲) بیان کرده‌اند، الْقَوْم در اصل شامل مردان است اما در بسیاری از آیات قرآن زنان را نیز در بر می‌گیرد و بنابراین شبکه‌ای اجتماعی و جمعیتی گسترده را تشکیل می‌دهد. در تحلیل استعمار فرهنگی و اقتصادی، این واژه بیانگر مجموعه‌ای از افراد است که روابط اجتماعی و اقتصادی آنان به گونه‌ای سامان یافته که سلطه حاکم می‌تواند اعمال شود. به عبارت دیگر، حاکم فاسق با ایجاد توازن نابرابر در ساختار جمعیتی، فرهنگ و اقتصاد، قدرت خود را تثبیت می‌کند. این تحلیل نشان می‌دهد که استعمار نه تنها به شکل نظامی

یا سیاسی، بلکه از طریق کنترل جمعیت، هنجارها و باورهای فرهنگی اعمال می‌شود و واژه «الْقَوْم» در اینجا نمایانگر میدان عملیات فرهنگی و اقتصادی استعمارگر است.

واژه «أَطَاعُوا» که به معنای تسلیم کامل و انقیاد است، در تحلیل اقتصادی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. همان‌طور که در مفردات ألفاظ القرآن (ج ۲، ص ۵۱۲) و قاموس قرآن (ج ۱، ص ۵۲۹) آمده، این اطاعت شامل تمامی ابعاد زندگی قوم می‌شود و آنان را از تصمیم‌گیری مستقل باز می‌دارد. از منظر اقتصادی، اطاعت قوم موجب می‌شود منابع جامعه به نفع حاکم منتقل شود و نظام اقتصادی جامعه تحت کنترل و بهره‌کشی قرار گیرد. این فرآیند یکی از ویژگی‌های بنیادین استعمار اقتصادی است، زیرا استعمارگر با کاهش توانایی‌های فردی و جمعی مردم، قدرت انحصاری بر تولید، توزیع و مصرف منابع را تثبیت می‌کند. بنابراین، اطاعت نه تنها یک مسئله فرهنگی، بلکه ابزاری مستقیم برای سلطه اقتصادی است و واژه «أَطَاعُوا» به وضوح این پیوند میان فرهنگ و اقتصاد را نشان می‌دهد.

اصطلاح «فَاسِق» به عنوان توصیف حاکم، ابعاد اخلاقی و حقوقی استعمار را روشن می‌کند. همان‌طور که در مفردات ألفاظ القرآن (ج ۳، صص ۵۸-۶۰) آمده، فاسق کسی است که از حد شرع و حق خارج شده و مردم را به تبعیت از دستورات خود وادار می‌کند. این فسق به لحاظ فرهنگی موجب تضعیف نظم اجتماعی و اخلاقی و به لحاظ اقتصادی بهره‌کشی و کنترل منابع را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، فرعون با فسق خود نه تنها نظم فرهنگی جامعه را بر هم می‌زند، بلکه ساختار اقتصادی آن را نیز تحت سلطه قرار می‌دهد و زمینه را برای استعمار اقتصادی فراهم می‌آورد. در این معنا، فسق همواره همراه با سبک‌مغزی قوم و اطاعت آنان، نمونه‌ای کامل از گونه‌ای همزمان فرهنگی و اقتصادی استعمار ارائه می‌دهد.

با توجه به تحلیل چهار واژه کلیدی، گونه‌شناسی استعمار در این آیه به صورت ترکیبی از سلطه فرهنگی و اقتصادی تعریف می‌شود. سلطه فرهنگی بر پایه سبک‌مغزی، تضعیف جمعیت هدف و اعمال هنجارهای حاکم فاسق استوار است و زمینه‌پذیرش دستورات و ارزش‌های تحمیلی را فراهم می‌آورد. سلطه اقتصادی نیز از طریق اطاعت و فسق حاکم تحقق می‌یابد، زیرا منابع اقتصادی و اجتماعی جامعه تحت کنترل مستقیم حاکم قرار می‌گیرند و افراد جامعه توانایی تصمیم‌گیری مستقل خود را از دست می‌دهند. این دو بعد استعمار در یک چرخه بازخوردی به هم متصل هستند: تضعیف فرهنگی موجب پذیرش اقتصادی می‌شود و کنترل اقتصادی موجب تثبیت سلطه فرهنگی.

در آیه ۵۴ سوره زخرف، انتخاب دقیق واژگان «اسْتَحَفَّ»، «الْقَوْم»، «أَطَاعُوا» و «فَاسِق» تصویری جامع از مکانیسم‌های سلطه فرهنگی و اقتصادی ارائه می‌دهد. این واژگان نه تنها ضعف و سبک‌مغزی قوم، ساختار جمعیتی و تسلیم آنان را نشان می‌دهند، بلکه فسق و فساد حاکم را نیز روشن می‌سازند و بدین ترتیب مطالعه دقیق آن‌ها چارچوب نظری مشخصی برای تحلیل استعمار در جوامع باستانی و معاصر فراهم می‌آورد. تحلیل این واژگان نشان می‌دهد که قرآن همزمان متنی دینی، اجتماعی و اقتصادی است که با زبان دقیق و واژگان هدفمند، فرایندهای قدرت و سلطه را تبیین می‌کند و امکان بررسی استعمار فرهنگی و اقتصادی در سطوح مختلف جامعه را فراهم می‌سازد، و این آیه نمونه‌ای روشن از ارتباط میان فرهنگ، اقتصاد و قدرت در متون دینی است.

۳. گونه‌شناسی استعمار بر اساس رویکرد فرهنگی و اقتصادی

پیش از پرداختن به تحلیل آیه ۵۴ سوره زخرف، ضروری است گونه‌های مختلف استعمار شناسایی و تبیین شوند. در تاریخ بشر، استعمار دارای اشکال متعدد بوده و هر یک متأثر از شرایط زمانی، اجتماعی و اقتصادی بوده‌اند. به طور کلی، سه گونه اصلی استعمار قابل تفکیک است: استعمار اقتصادی، استعمار سیاسی و استعمار فرهنگی. هرچند تمرکز اصلی این مقاله بر تحلیل استعمار فرهنگی است، بازشناسی دو گونه دیگر برای درک زمینه‌ها و سازوکارهای اقتصادی و سیاسی آن ضروری است.

۳.۱. استعمار اقتصادی

استعمار اقتصادی نوعی سلطه است که هدف آن کنترل منابع مادی، بازارهای فروش و مسیرهای اقتصادی کشورها و اقوام دیگر است. در این نوع استعمار، استعمارگر تلاش می‌کند با اعمال نفوذ اقتصادی و تصاحب منابع، خودکفایی و استقلال اقتصادی ملت‌ها را محدود کند. نمونه تاریخی آن، استعمار انگلیس بر هند است که موجب وابستگی اقتصادی عمیق و کاهش توان تصمیم‌گیری و بهره‌گیری از منابع طبیعی مردم این سرزمین شد.

قرآن کریم ضمن تأکید بر استقلال اقتصادی و اهمیت جهاد و فعالیت اقتصادی مشروع، شیوه‌های بهره‌گیری از مواهب طبیعی و آبادانی زمین را به عنوان راهکارهای پیشرفت و خودکفایی معرفی می‌کند. آیات متعددی بر این امر دلالت دارند؛ از جمله: نساء ۱۴۱، آل عمران ۱۳۹، انفال ۶۰، توبه ۲۰، مومنون ۱۸-۲۰، اسراء ۶۶، نحل ۹۹، الرحمن ۱۰ و اعراف ۱۰. همچنین در سیره معصومین علیهم‌السلام، ارزش خودکفایی و فعالیت‌های اقتصادی مشروع برجسته شده و اهمیت این اصل در حفظ استقلال اقتصادی جوامع اسلامی نمایان است (بحرانی، ۱۴۱۵ق؛ قرائتی، ۱۳۸۸ش).

۳.۲. استعمار سیاسی

استعمار سیاسی با هدف تسلط بر حاکمیت یک کشور شکل می‌گیرد و گاهی بر تصاحب مستقیم سرزمین تأکید ندارد، بلکه با اشغال مدیریت و قدرت سیاسی، سلطه را اعمال می‌کند. این نوع استعمار به دلیل هزینه‌ها و مشکلات ناشی از اشغال مستقیم سرزمین، بیشتر به شکل نفوذ غیرمستقیم و تحمیل شرایط سیاسی در کشورها صورت می‌گیرد. قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام بر حفظ استقلال سیاسی و مقابله با هرگونه وابستگی تأکید دارند و اصولی مانند نفی ظلم و پایبندی به سیاست دینی و عزت اسلامی را چارچوب مقاومت در برابر سلطه معرفی کرده‌اند (نساء ۱۴۱؛ نساء ۱۳۸؛ انفال ۷۳؛ مائده ۵۳). حدیث معروف «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه» نیز بر همین معنا دلالت دارد و استقلال سیاسی و پایبندی به اصول عدالت و عزت اسلامی را ارزشمند می‌شمارد (صدوق، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۲۴).

۳.۳. استعمار فرهنگی یا استعمار نو

یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین گونه‌های استعمار، استعمار فرهنگی است که در پنج قرن اخیر به شکل نوین آن موسوم به امپریالیسم فرهنگی ظاهر شده است. هدف این نوع استعمار، تغییر فرهنگ، اندیشه و هویت جوامع تحت سلطه است تا کنترل فکری و فرهنگی بر انسان‌ها اعمال شود. برخلاف استعمار مستقیم که با اشغال سرزمین و اعمال نفوذ آشکار همراه بود، استعمار نو به صورت غیرمستقیم و با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی، آموزشی، زبانی، رسانه‌ای و اجتماعی اقدام می‌کند تا باورها و هنجارهای اجتماعی ملت‌ها را تغییر دهد و نفوذ خود را پایدار سازد (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۶ش).

در قرآن کریم، این گونه استعمار به شکل استعمار فکری و اخلاقی بازتاب یافته است. آیه ۵۴ سوره زخرف نمونه‌ای از این استعمار فرهنگی است که در آن فرعون قوم خود را سبک مغز شمرده و با وسوسه و اغواگری آنان را فریب می‌دهد: «فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» "پس او قومش را سبک مغز شمرد [و آنان را با وسوسه و اغواگری فریفت و خوارشان کرد]؛ در نتیجه از او اطاعت کردند، زیرا آنان مردمی فاسق و نافرمان بودند" (زخرف ۵۴، ترجمه نگارنده).

واژه کلیدی «إِسْتَحَفَّ» بیانگر فرآیند تسلط فکری و کنترل روانی جامعه است. بررسی لغوی و تفسیری این واژه نشان می‌دهد که معنای آن شامل سبک شمردن، ساده انگاری و تحت نفوذ قرار دادن مخاطب است (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۸۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، صص ۶۱۵-۶۱۷؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۶۷). واژه «قَوْم» به طور خاص گروه مردان را شامل می‌شود، هرچند زنان نیز در این معنا وارد می‌شوند (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲، ص ۵۰۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۹۳). واژه «فاسقین» نیز اشاره به افراد نافرمان و خارج شده از مسیر حق دارد و نشان‌دهنده آسیب‌پذیری فرهنگی و اخلاقی جامعه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، صص ۵۸-۶۰).

تحلیل آیه مذکور از منظر گونه‌شناسی استعمار فرهنگی نشان می‌دهد که استعمارگر با شناسایی ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های فکری و اخلاقی جامعه، فرآیند سلطه را آغاز می‌کند و با فریب و اغواگری، هنجارها و باورهای مردم را تغییر می‌دهد، بدون آنکه نیازی به اشغال مستقیم سرزمین باشد. این شیوه مؤید نظریه‌های نوین استعمار فرهنگی است که در آن نفوذ غیرمستقیم، تغییر در آموزش، زبان، فرهنگ و ساختارهای اجتماعی مهم‌ترین ابزار اعمال سلطه است (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش).

بنابراین، گونه‌شناسی استعمار در سه بُعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، با تمرکز بر ابعاد فرهنگی، امکان تحلیل دقیق‌تر آیه ۵۴ سوره زخرف را فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد که قرآن کریم ضمن ارائه یک روایت تاریخی، هشدارهای اخلاقی و فرهنگی در برابر سلطه و نفوذ خارجی ارائه می‌دهد و جامعه را نسبت به آسیب‌پذیری‌های فرهنگی و اقتصادی آگاه می‌سازد.

۴. مصداق‌شناسی استخفاف عقول و استعمار فکری: تداوم شیوه فرعونی در عصر حاضر

شیوه‌های فرعونی در انحراف افکار و تحریف ارزش‌ها، محدود به تاریخ نبوده و همان گونه که پیشینیان با تکیه بر ثروت و تجمل مردم را مغلوب خود می‌کردند، امروز نیز نمونه‌های نوینی از این استراتژی در قالب استعمار فرهنگی و فکری مشاهده می‌شود. جریان‌های فکری غربی و تبلیغات مادی‌گرایانه، با هدف تخریب هویت دینی و اجتماعی جوامع اسلامی، همان مسیر را بازسازی کرده و ذهن و قلب انسان‌ها را مورد حمله قرار می‌دهند. در این بخش، به بیان این موارد می‌پردازیم:

۱.۴. بنیان تاریخی و الگویی فرعونی

فرعونیان در طول تاریخ، یکی از شیوه‌های اساسی سلطه خود را بر پایه استخفاف عقول و تغییر نظام معرفت‌شناسی بنا کردند. آنان ابتدا نظام معرفت‌شناسی مبتنی بر حس و تجربه را تبلیغ و تثبیت کردند و سپس با معرفی نظام ارزشی جدید که معیار آن برخورداری از طلا، نقره و ثروت مادی بود، جامعه را به سوی شستشوی مغزی و پیروی از باطل سوق دادند (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۷). به عبارت دیگر، فرعون با ایجاد جذابیت‌های ظاهری و مادی، افکار عمومی

را از منطق و ارزش‌های الهی دور کرده و بر اساس اغوای ظاهری و قدرت اقتصادی بر جامعه سلطه یافت.

۲.۴. بازتاب شیوه فرعونی در عصر حاضر

در عصر کنونی، استعمارگران فرهنگی با بهره‌گیری از شیوه‌های مشابه تلاش می‌کنند نظام‌های معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی جوامع اسلامی را مخدوش کنند. این اقدامات از طریق ترویج مکاتب فکری مانند امانیسم، لیبرالیسم و سپس نهیلیسم پس از نهضت رنسانس و در مسیر مذهب‌ستیزی پایه‌گذاری شده است. هدف این جریان‌ها، تخریب هویت مذهبی و فرهنگی، تضعیف باورهای دینی و ایجاد وابستگی فرهنگی و ذهنی به قدرت‌های استکباری است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۱۲).

امام خمینی (ره) در این باره تأکید می‌کند: «ما از حصار اقتصادی و دخالت نظامی نمی‌ترسیم؛ آنچه ما را می‌ترساند، وابستگی فرهنگی است. ما از دانشگاه‌های استعماری می‌ترسیم، دانشگاه‌هایی که جوانان ما را به خدمت غرب تربیت کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ش، ج ۱۲، ص ۲۵۲).

۳.۴. نقش اشراف و مترفین در استعمار فکری

یکی از اصلی‌ترین مصادیق استخفاف عقول، حضور اشراف و مترفین در جامعه است. واژه «مترف» از ماده «ترف» به معنای تنعم است و در قرآن و روایات به افرادی اطلاق می‌شود که فزونی نعمت، رفاه و زندگی مرفه، آنان را مغرور و غافل کرده و به ظلم و فزون‌خواهی می‌کشاند (ابن منظور، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۱۷؛ طریحی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۶). در قرآن کریم، واژه‌های «مترفین» و «ملاً» اغلب به گروه‌های اشراف اطلاق شده و نقش آنان در جامعه به شرح زیر بیان شده است:

الف. ایجاد مفاسد اجتماعی: مترفین و سران جوامع به سبب رفاه و قدرت اقتصادی اغلب در برابر دعوت پیامبران مقاومت کرده و جامعه را به فساد می‌کشاندند (اسراء ۱۶).

ب. تأثیر بر ایمان و کفر مردم: سران اشراف با اعمال و رفتار خود مانع از ایمان آوردن توده مردم می‌شدند: «فَمَا أَمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنْ فِرْعَوْنُ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (یونس ۸۳).

ج. استفاده از مال و فرزندان برای گمراهی مردم: اموال و فرزندان اشراف و سران کفری در مسیر فساد و انحراف جامعه به کار می‌رفتند و باعث اغفال و انحراف مردم می‌شدند (نوح ۲۱-۲۵؛ یونس ۸۸). مثال بارز آن، قارون است که با ثروت و تجمل خود، مردم را اغوا می‌کرد (قصص ۷۹؛ برای تفصیل بیشتر ر.ک به: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۶، ص ۱۶۳).

جدول ۱ شیوه‌ها و تاکتیک‌های اشراف در گمراهی مردم

اتهام‌زنی و تهمت	مومنون ۲۴، هود ۲۷
شبهه‌افکنی	مومنون ۳۳
استهزا و تمسخر	هود ۳۸، قصص ۴، حجر ۱۰-۱۱
فریب و غرور	اعراف ۲۲
ایجاد یأس و تضعیف روحیه	احزاب ۱۲-۱۳
کنمان و تحریف حقایق	بقره ۱۷۴

دامن زدن به فساد اقتصادی	انفال ۳۶، اسراء ۶۴، توبه ۳۴، بقره ۲۷۵
--------------------------	---------------------------------------

۴.۴. شبهه و تردید افکنی

یکی دیگر از شیوه‌های استعمار فرهنگی، ایجاد شبهه و تردید در باورهای دینی و اجتماعی مردم است. شبهه به معنای شباهت ظاهری یا مفهومی با حقیقت است که تشخیص آن را دشوار می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۳۸؛ همچنین ر.ک به: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۳؛ ری شهری، ۱۳۸۴ش، ح ۹۱۰۲).

شک، حالت تساوی نقیضین در ذهن انسان است که هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارد و در صورتی که از لجاجت و سوءظن ناشی شود، آفت محسوب می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۵۶؛ قرائتی، ۱۳۸۸ش، ج ۵، ص ۷۱). مشتقات ریب در قرآن شامل ریه، مریب و ارتیاب است و به معنای شک، دو دلی و بی‌ثباتی ذهنی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۶۸).

جدول ۲ نمونه‌های قرآنی شبهه‌افکنی

موضوع شبهه	سوره و آیه	شرح
توحید	بقره ۵۵؛ فرقان ۲۱	قوم بنی اسرائیل خواستند خدا را آشکار ببینند تا ایمان بیاورند.
معاد	انعام ۲۹؛ یس ۷۸-۷۹	برخی معتقد بودند دنیا تنها واقعیت است و بعث پیامبران صحت ندارد.
نبوت	بقره ۲۴۷؛ یس ۷-۸	شک در پیامبری حضرت موسی (ع) و انتظار معجزه یا ثروت دنیوی.
اختیار انسان	انعام ۱۴۸؛ آل عمران ۲۶	تلاش برای القای این باور که اعمال انسان به جبر تاریخ یا تقدیر اجبار شده است.
شک و تردید در جهاد	توبه ۹، ۴۵	منافقان برای فرار از جهاد بهانه‌های واهی می‌آوردند و دل‌هایشان در شک و تردید بود.
دعوت حضرت یوسف (ع)	غافر ۳۴-۳۵	برخی به دلیل شک و تردید از پذیرش حق سر باز می‌زدند.
شبهه‌افکنی علیه مسلمانان	آل عمران ۷۲-۷۳	شبهه‌افکنی جهت تضعیف روحیه مسلمانان و انسجام آنان.

۵. تحلیل وجوه معنایی و تفسیری آیه ۵۴ سوره زخرف

آیه ۵۴ سوره زخرف، نمونه‌ای برجسته از استعمار فرهنگی و استخفاف عقول و افکار در قرآن کریم است. این آیه به صورت لطیف و دقیق فرآیند فریب افکار عمومی توسط حاکمان جبار و سلطه‌طلب را تبیین می‌کند و می‌تواند به عنوان مدل تحلیلی برای بررسی سازوکارهای سلطه فکری و فرهنگی در تاریخ و جامعه معاصر مورد استفاده قرار گیرد.

در این آیه، فرعون با بهره‌گیری از منابع ظاهری و مادی خود، مانند حکومت بر مصر و کنترل رود نیل، تلاش می‌کند مردم را از پیامبر موسی (ع) دور سازد. او با استفاده از ثروت و شکوه ظاهری، برتری خود را به جامعه نشان می‌دهد و فقر و سادگی موسی (ع) را به عنوان ضعف او برجسته می‌کند. قرآن کریم اشاره دارد که فرعون از واقعیت این ارزش‌های مادی کاملاً غافل نبوده، اما برای حفظ سلطه خود، مردم را تحمیق و عقولشان را سبک می‌شمرد؛ به عبارت دیگر، او با اغوای فکری، تسلط خود را بر افکار عمومی تحکیم می‌کند:

«فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ» (زخرف ۵۴).

این آیه نشان می‌دهد که حکومت‌های فاسد برای استمرار قدرت، نیازمند نگه داشتن جامعه در سطح پایین فکری و معنوی هستند. فرآیند استخفاف عقول، در واقع نوعی شستشوی مغزی است که با وسایل متنوعی مانند تبلیغات، نمایش ظواهر مادی و تکیه بر ارزش‌های نادرست، مردم را از واقعیت‌ها غافل می‌سازد. این شیوه در عصر حاضر نیز از طریق رسانه‌ها، مطبوعات و ابزارهای ارتباطی پیشرفته ادامه دارد و هدف آن ایجاد تسلط فرهنگی و فکری است.

از منظر تفسیری، واژه «اسْتَخَفَّ» به معنای سبک شمردن و تحقیر عقل و شعور عمومی است و نشان‌دهنده اقدام فرعون برای ایجاد فریب و اغوای مردم بدون ارائه دلیل منطقی یا مشروع است (جوادی آملی، ۱۴۰۳، ص ۲۱۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۸۷). واژه «فاسقین» نیز دلالت بر افرادی دارد که به دلیل پذیرش مغالطات و عدم استفاده از عقل و فطرت الهی، تسلیم جریان‌های باطل می‌شوند و اطاعت کورکورانه را پذیرا می‌شوند. بدین ترتیب، قرآن نشان می‌دهد که پیروی از فرعون نه ناشی از ضعف مطلق او، بلکه نتیجه ترکیب سلطه فکری حاکم و پذیرش ناآگاهانه جامعه است.

تحلیل وجوه معرفت‌شناختی آیه، نشان می‌دهد که فرعون با بهره‌گیری از اصالت حس و تجربه حسی مردم، آنان را از شناخت عقلانی و حقیقت باز می‌دارد. شیوه مغالطه و اغفال او مبتنی بر نظام ارزشی نادرست بود که بر ثروت و قدرت مادی تکیه داشت. این نظام ارزشی باعث شد جامعه، ملاک حقانیت را صرفاً در مشاهده قدرت و شکوه ظاهری ببیند و ارزش‌های اخلاقی و معنوی را نادیده بگیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۶۶).

همچنین، قرآن با استفاده از تبیین این جریان، هشدار می‌دهد که رشد فکری و بیداری فرهنگی جامعه بزرگ‌ترین سد در برابر نفوذ و استعمار فرهنگی است. شستشوی مغزی و فریب افکار عمومی، اصلی‌ترین ابزار حفظ سلطه حاکمان جبار است. قرآن کریم در آیات متعدد، مانند قصص ۳۸، طه ۴۹-۵۲، اسراء ۱۰۱-۱۰۳ و بقره ۲۵۸، به تضاد میان شناخت حسی و شناخت عقلانی اشاره کرده و نشان می‌دهد که اتکا صرف به حواس و تجربیات مادی، زمینه‌ساز اغفال و سلطه‌پذیری انسان‌ها است.

در نهایت، تحلیل آیه ۵۴ سوره زخرف نشان می‌دهد که فرعون نه تنها منابع مادی و شکوه ظاهری خود را برای تحمیل سلطه استفاده کرده است، بلکه با ایجاد نظام ارزشی و معرفتی نادرست، عقول مردم را تحمیق کرده و آنان را به اطاعت از خود واداشته است. این فرآیند، نمونه بارز استعمار فرهنگی است که در قالب استخفاف فکری و شستشوی مغزی اعمال می‌شود و تا امروز نیز با شیوه‌های مدرن ادامه دارد.

بدین ترتیب، این تحلیل نشان می‌دهد که قرآن با ارائه این روایت تاریخی، ضمن تبیین سازوکارهای سلطه، اهمیت رشد فکری، شناخت عقلانی و آگاهی فرهنگی را به عنوان ابزار مقاومت در برابر استعمار و اغفال مردم برجسته می‌سازد.

۶. پیامدهای فرهنگی و اقتصادی استعمار

تحلیل پیامدهای فرهنگی و اقتصادی استعمار، به ویژه در متن تاریخی و فرهنگی مصر باستان و عصر فرعون، نشان می‌دهد که این دو بُعد از سلطه، نه به شکل جداگانه بلکه در تعامل پیچیده‌ای با یکدیگر عمل می‌کنند و تأثیراتشان بر جامعه به صورت یک چرخه طولانی مدت سلطه بازتولید می‌شود.

از منظر فرهنگی، یکی از پیامدهای اصلی استعمار، تضعیف استقلال فکری و کاهش ظرفیت جامعه در تولید و بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای بومی است. هنگامی که فرعون قوم خود را سبک می‌شمرد و آنان را در اطاعت خود آماده می‌کرد، فرآیندی از کنترل روانی و فرهنگی شکل می‌گرفت که به کاهش توان افراد در تفکر مستقل و نقد قدرت منجر می‌شد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۶۱۵-۶۱۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵، ص ۴۸). واژه *اِسْتَحَفَّ* در این زمینه، بیش از آنکه صرفاً یک صفت زبانی باشد، نمایانگر ابزار فرهنگی-روانی است که سلطه را تثبیت می‌کند و مانع از شکل‌گیری اندیشه‌های انتقادی در جامعه می‌شود. این سبک مغزی تحمیلی، نه تنها بر مردان بلکه به طور غیرمستقیم بر زنان و ساختار خانواده و هویت جمعی نیز اثر می‌گذارد، زیرا جامعه در مصر باستان به شدت سلسله‌مراتبی و متمرکز بر قدرت فرعون بوده است (ر.ک به: ابن منظور، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۲، ص ۵۰۵؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۶۶۲).

فرایند تضعیف فرهنگی همچنین به کاهش ظرفیت جامعه برای حفظ و بازتولید ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای بومی منجر می‌شد. اطاعت مطلق (*أَطَاعُوا*) که ناشی از سبک شمردن مردم و القای وابستگی به قدرت مرکزی بود، موجب می‌شد که افراد به جای بهره‌گیری از خرد و تجربه محلی، به دستورات حاکم و الگوهای فرهنگی تحمیل‌شده بسنده کنند. در این شرایط، جامعه کم‌کم به الگویی تبدیل می‌شود که در آن ارزش‌ها و هنجارهای بومی جای خود را به ارزش‌های سلطه‌گر می‌دهند و استقلال فرهنگی به تدریج تحلیل می‌رود (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۸۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۹۷-۹۸). این فرآیند همانند استعمار فرهنگی مدرن، سبب تضعیف حس هویت و اتکا به خود در جامعه می‌گردد و زمینه برای پذیرش دستورات سلطه‌گر فراهم می‌شود.

از بعد اقتصادی، پیامدهای استعمار به شدت با فرهنگ اطاعت و سبک شمردن افراد مرتبط است. کنترل منابع و ثروت، از طریق تعیین سهم مردم از کشاورزی، جمع‌آوری مالیات و مدیریت بازارها، زمینه تمرکز ثروت در دستان حاکم را فراهم می‌آورد. این فرآیند باعث می‌شود که توانایی تصمیم‌گیری اقتصادی جامعه محدود شود و وابستگی مردم به مرکز قدرت افزایش یابد (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۱۹؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۵۱۲). به بیان دیگر، سبک شمردن مردم و اعمال سلطه روانی، مستقیماً با بهره‌کشی اقتصادی از منابع طبیعی و انسانی جامعه مرتبط است؛ زیرا مردم کم‌ارزش یا سبک‌مغز انگاشته می‌شوند و توانایی مقاومت یا مدیریت منابع خود را از دست می‌دهند. این تعامل میان فرهنگ اطاعت و بهره‌کشی اقتصادی، یکی از شاخص‌های برجسته استعمار اقتصادی است که در آیه ۵۴ سوره زخرف نیز بازتاب یافته است.

پیامد همزمان فرهنگی و اقتصادی، ایجاد چرخه‌ای طولانی مدت از سلطه است. وقتی استقلال فکری و ارزش‌های بومی جامعه تحلیل می‌رود، جامعه کمتر توانایی دارد که سیاست‌ها و دستورات اقتصادی حاکم را نقد یا اصلاح کند. از سوی دیگر، تمرکز ثروت و کنترل منابع باعث می‌شود که وابستگی اقتصادی مردم به مرکز قدرت استمرار یابد و فشار برای اطاعت فرهنگی و اجتماعی تقویت شود. این چرخه موجب می‌شود که استعمار، چه به شکل مستقیم در سیاست و

اقتصاد و چه به شکل غیرمستقیم در فرهنگ و روان جامعه، به یک فرآیند مستمر و بازتولید شونده تبدیل شود. همان‌گونه که در منابع متعدد اشاره شده، چنین چرخه‌ای نه تنها بر نسل حاضر بلکه بر ساختارهای نهادی و فرهنگی آینده نیز اثرگذار است و سلطه را در طول زمان تثبیت می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۸۹؛ ج ۸، ص ۵۶۶۲).

در تحلیل عمیق‌تر، این چرخه فرهنگی-اقتصادی استعمار با ساختارهای اجتماعی مصر باستان همخوانی کامل دارد. واژگان کلیدی قرآن، مانند الْقَوْمُ، أَطَاعُوا و اسْتَحَفَّ، بازتابی از روابط قدرتی هستند که در آن جامعه به شکل سلسله‌مراتبی و تحت رهبری مطلق فرعون سازمان‌دهی شده بود. فرهنگ اطاعت و سبک‌مغزی تحمیلی باعث می‌شد که مردم نه تنها تحت فشار اقتصادی و سیاسی، بلکه تحت فشار فرهنگی نیز عمل کنند و استقلال فکری خود را از دست بدهند. این وضعیت به تضعیف هویت جمعی و کاهش توان بازتولید فرهنگی و اقتصادی جامعه منجر می‌شود و در نتیجه، سلطه فرعون به شکل پایدار و مستمر تثبیت می‌گردد (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۸۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۹).

به‌طور کلی، پیامدهای فرهنگی و اقتصادی استعمار در مصر باستان، همان‌طور که در تحلیل واژگان کلیدی آیه ۵۴ سوره زخرف مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده هماهنگی میان کنترل روانی، فرهنگی و اقتصادی است. سبک شمردن افراد (اسْتَحَفَّ)، پذیرش اطاعت (أَطَاعُوا) و مفهوم قوم (الْقَوْم) به عنوان ابزارهای زبانی-معنایی، این هماهنگی را بازتاب می‌دهند و به پژوهشگران امکان می‌دهند تا فرآیندهای سلطه فرهنگی و اقتصادی را در تاریخ باستان به دقت بازسازی کنند. این تحلیل نشان می‌دهد که استعمار نه تنها به معنای تصرف اقتصادی و سیاسی، بلکه به معنای کنترل روانی، فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز هست، و پیامدهای آن، ایجاد چرخه طولانی مدت سلطه و وابستگی جامعه به مرکز قدرت را به همراه دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۱-۳؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۸۹؛ ج ۸، ص ۵۶۶۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲، ص ۵۰۵).

۷. وظایف جامعه اسلامی و مسلمانان در قبال استعمار فرهنگی و فکری

یکی از اصول مسلم و بنیادین در بینش اسلامی، عدم پذیرش سلطه و تسلط کفار بر مسلمانان است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱/۴).

این آیه به وضوح اصل «عدم استیلا و نفوذ کفار» را بیان می‌کند؛ چرا که واژه «سبیل» در سیاق نفی به معنای عموم و مطلق است و نشان می‌دهد که کفار نه از نظر نظامی، نه سیاسی، نه فکری، فرهنگی و اقتصادی، و نه در هیچ بعد دیگر نباید بر افراد مؤمن تسلط یابند. بنابراین، هرگونه پیروزی موقت کفار در عرصه‌های مختلف، ناشی از غفلت، ضعف ایمان، و فراموشی رسالت‌های واقعی مسلمانان و دولت‌های اسلامی است، همان‌گونه که در وضعیت غزه و فلسطین امروز مشاهده می‌شود که نه اتحاد و اخوت اسلامی وجود دارد و نه جهاد حقیقی به معنای مقاومت در برابر ظلم و تجاوز (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۱ ص ۴۹).

از منظر بینش اسلامی، پذیرش این اصل دارای اهمیت‌های چندگانه است:

الف: حفظ عزت و شرافت فردی: هنگامی که اعضای جامعه اسلامی با احساس سربلندی و در بستر آرامش فکری و

فرهنگی زندگی کنند، گرایش به رشد همه‌جانبه و پایبندی به تعالیم حیات‌بخش اسلام در آنان افزایش می‌یابد. این وضعیت، زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیتی مقاوم و مستقل است که در برابر ارزش‌های غیر توحیدی آسیب‌پذیر نیست.

ب: سرافرازی جوامع اسلامی: جوامع پیشرفته و پایبند به هویت اسلامی، نزد ملت‌های دیگر سرافراز و مقتدر ظاهر می‌شوند و این سرافرازی، جریان جهانی اسلام را که بر بالندگی و پیشرفت جوامع اسلامی استوار است، تقویت می‌کند. چنین جامعه‌ای قادر است در برابر تهاجمات فرهنگی، فکری و اقتصادی دشمن مقاومت مؤثر داشته باشد و نفوذ استعمار را کاهش دهد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۱ ص ۴۹). قرآن کریم به مؤمنان دستور داده است که حتی در برابر تهدیدات فرهنگی، دینی و فکری، مقاومت کنند و از ارزش‌ها و باورهای توحیدی خود دفاع نمایند. این دعوت به مقاومت، در حقیقت جلوه‌ای از صبر در طاعت و جهاد فی سبیل الله است و نمونه‌های آن در تاریخ ادیان توحیدی و صدر اسلام فراوان است:

- مؤمن آل فرعون که در برابر ظلم و فشارهای فرعون پایدار ماند (مؤمنون، ۲۶-۴۵)
- آسیه، همسر فرعون که با ایمان خویش در برابر ظلم شوهرش مقاومت کرد (تحریم، ۱۱)
- اصحاب کهف که با صبر و ایمان خود در مقابل فشارها ایستادگی نمودند (کهف، ۱۳-۲۲)
- مسلمانان صدر اسلام که در دوران ابتدایی هجرت و مبارزات خود، با صبر و استقامت فرهنگ اسلامی را حفظ کردند (نحل، ۱۰۵-۱۱۰؛ آل عمران، ۱۸۶).

به نظر می‌رسد برای مقابله با استعمار فرهنگی و فکری در عصر حاضر، اقدامات زیر ضروری است:

۱. **آموزش و تربیت آگاهانه:** تقویت قدرت‌های نرم و بصیرت افزایی در میان جوانان و اقشار مختلف جامعه.
۲. **توسعه فرهنگ ساده‌زیستی:** کاهش گرایش به تجمل و اشرافیت که همواره ابزاری برای فریب و استعمار فرهنگی بوده است.

۳. **تقویت نهادهای فرهنگی و فکری:** اهتمام نهادها و متولیان فرهنگی در ترویج ارزش‌های اسلامی، فرهنگ مقاومتی و حفظ هویت دینی.

۴. **توسعه استقلال فکری و اقتصادی:** ایجاد توانمندی‌های جامعه در عرصه‌های مختلف تا نفوذ استعمارگران کاهش یابد و جامعه اسلامی بتواند مسیر رشد و بالندگی خود را بدون وابستگی به فرهنگ‌ها و ارزش‌های بیگانه دنبال کند.
- در مجموع، جامعه اسلامی و مسلمانان مکلف‌اند با ایمان، بصیرت و تعهد به ارزش‌های دینی، در برابر هرگونه تهاجم فرهنگی و فکری ایستادگی کنند و زمینه نفوذ استعمارگران را از بین ببرند، زیرا حفظ هویت اسلامی و استقلال فکری، شرط لازم برای سرافرازی و پیشرفت جوامع مسلمان است.

۸. جمع‌بندی نهایی

مطالعه آیه ۵۴ سوره زخرف نه تنها به عنوان یک متن قرآنی، بلکه به عنوان یک منبع غنی تاریخی و فرهنگی، امکان تحلیل عمیق گونه‌های مختلف استعمار را فراهم می‌آورد. گونه‌شناسی استعمار در این متن، با تأکید بر دو بُعد اصلی فرهنگی و اقتصادی، نمایانگر یک شبکه پیچیده از روابط قدرت و سلطه است که همزمان در ذهن، رفتار و ساختارهای جامعه عمل می‌کند و پیامدهای آن در طول زمان تداوم می‌یابد. استعمار فرهنگی، از یک سو، با سبک شمردن افراد،

کاهش استقلال فکری و بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای تحمیلی، موجب تضعیف بنیان‌های هویت جمعی می‌شود. در این فرآیند، جامعه از توانایی نقد قدرت و تولید دانش مستقل محروم می‌گردد و پذیرش دستورات سلطه‌گر، به عنوان یک الگوی رفتاری و فرهنگی تثبیت می‌شود. در نتیجه، فرد و جمع به شکل هماهنگ با هنجارهای تحمیل‌شده، عمل می‌کنند و استقلال فکری و فرهنگی جامعه به تدریج تحلیل می‌رود.

از سوی دیگر، استعمار اقتصادی در بستر این تحلیل، نشان می‌دهد که کنترل منابع، تمرکز ثروت و محدود کردن ظرفیت تصمیم‌گیری اقتصادی جامعه، نه تنها به یک فرآیند بهره‌کشی مستقیم منجر می‌شود، بلکه زمینه تداوم وابستگی اقتصادی و روانی جامعه به مرکز قدرت را نیز فراهم می‌آورد. بهره‌کشی از منابع طبیعی و انسانی، با ایجاد وابستگی شدید، باعث می‌شود که جامعه به صورت مستمر و خودآگاه یا ناخودآگاه، نقش خود را در چارچوب سلطه‌گر بپذیرد. در واقع، کنترل اقتصادی بدون کنترل فرهنگی و روانی نمی‌تواند به تثبیت طولانی مدت سلطه منجر شود؛ و به همین ترتیب، کنترل فرهنگی بدون تضمین وابستگی اقتصادی نیز ناکافی خواهد بود. ترکیب این دو بعد، یک چرخه مستمر سلطه را ایجاد می‌کند که به بازتولید ساختارهای قدرت و محدود کردن ظرفیت جامعه برای تغییر وضع موجود منجر می‌شود.

تحلیل همزمان این دو بُعد، نشان می‌دهد که استعمار نه یک فرآیند تک‌بعدی بلکه یک شبکه هم‌پوشاننده و تعاملی از سلطه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. این شبکه، با ایجاد وابستگی و پذیرش سلسله‌مراتبی، جامعه را در موقعیتی قرار می‌دهد که نه تنها منابع و ثروت خود را از دست می‌دهد، بلکه توانایی بازتولید ارزش‌های بومی، استقلال فکری و ظرفیت‌های خلاقانه خود را نیز کاهش می‌دهد. در نتیجه، پیامدهای استعمار به صورت یک فرآیند بلندمدت عمل می‌کنند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و ساختارهای نهادی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را به شکل پایدار تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در سطح نهایی، گونه‌شناسی استعمار فرهنگی و اقتصادی، تصویر روشنی از نحوه تداوم سلطه ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که پیامدهای این نوع سلطه فراتر از کنترل سیاسی یا اقتصادی صرف است. این پیامدها به طور همزمان هویت جمعی، استقلال فکری، توان تصمیم‌گیری اقتصادی و حتی ساختارهای اجتماعی جامعه را دچار تغییر می‌کنند و یک چرخه بازتولید شونده از وابستگی و سلطه ایجاد می‌کنند. بنابراین، بررسی استعمار در این آیه، فراتر از تحلیل تاریخی و فرهنگی صرف است و به درک فرآیندهای بنیادین سلطه و بازتولید آن در جوامع بشری کمک می‌کند.

جمع‌بندی پژوهش نشان می‌دهد که استعمار فرهنگی و اقتصادی، در تعامل با یکدیگر، نه تنها جامعه را به پذیرش دستورات قدرت وادار می‌کند، بلکه توانایی مقاومت و بازتولید ارزش‌های مستقل را کاهش می‌دهد. پیامد این فرآیند، ایجاد چرخه‌ای بلندمدت از سلطه و وابستگی است که ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به شکلی مستمر بازتولید می‌کند و نسل‌های آینده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تحلیل، به طور کلی، درک ما را از ماهیت استعمار، نه تنها در مصر باستان بلکه در تمامی جوامعی که با سلطه پیچیده فرهنگی و اقتصادی مواجه بوده‌اند، گسترش می‌دهد و نشان می‌دهد که بازتولید سلطه در هر دوره تاریخی، نیازمند همزمانی کنترل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است.

۹. منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۰ق). *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن هشام، شمس الدین محمد بن محمود. (بی تا). *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹ش). *صحیفه نور*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن (تفسیر مآثور اهل بیت علیهم السلام)*. قم: مؤسسه البعثة، واحد تحقیقات اسلامی، مرکز الطباعة و النشر.
۵. جواد آملی، عبد الله. (۱۳۷۹ش). *شناخت شناسی در قرآن. ویراستار: حمید پارسا*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۶. جواد آملی، عبد الله. (۱۴۰۳ش). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز بین المللی نشر اسراء.
۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق و بیروت: دار القلم.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴ش). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن (مترجم: غلامرضا خسروی حسینی)*. تهران: انتشارات مرتضوی.
۹. ری شهری، محمد. (۱۳۸۴ش). *میزان/الحکمه*، تهران و قم: دار الحديث.
۱۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۱۱. صدوق، محمد بن علی. (بی تا). *التوحید*. محقق: سید هاشم حسینی طهرانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین*. تحقیق: احمد حسینی اشکوری. تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۵. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ش). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۶. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۶ش). *تہاجم فرهنگی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.